

روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران	
دوشنبه ۷ شهریور ۱۴۰۱_ اول صفر ۱۴۴۴_ ۲۹ آگوست ۲۰۲۲- شماره ۲۰۰۷_ سال هفتم <p>۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضربرب کیفی ۶۷۴</p>	
www.hamdelidaily.ir <p>hamdelidaily@gmail.com newspaper.hamdeli</p>	
مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان	سر‌دبیر: فضل‌الله یاری
چاپ: ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱	توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۹۳۳۰۰۰
نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد ۳	
تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱	

نگارگاه جهان

«ژنتیک» چگونه شخصیت را می‌سازد؟

(Eysenck ۱۹۹۷- ۱۹۱۶)، روان‌شناس آلمانی - انگلیسی، به تقسیم‌بندی دیگری دست زد. او انسان‌ها را از نگاه شخصیتی در دو طبقه‌بندی کلی جای داد: شخصیت‌هایی سست - ترسو - نگران و شخصیت‌هایی درون و برون‌گرا که از سوی باز و دوستانه و از سوی بسته، با تمایلی به درون‌گرایی. اما سپس ویژگی‌های دیگری را نیز به آنها افزود که با دشواری‌های روانی همراه بودند، مانند شخصیت‌های خشونت‌ورز، بی‌احساس، اما تکانشی، مبتکر و پرتحرک. او در ادامه پژوهش‌های خود، در نهایت به «پنج بزرگ» رسید که بسیاری از پژوهندگان به تأیید آن پرداختند: «برون‌گرا، سازگار، وظیفه‌شناس، روان‌رنجور و باز.» طبیعی است که در چهارچوب نوشتاری چنین محدود نمی‌توان این باره و پژوهش‌های بسیار گوناگون پیرامون آن را به گسترده‌گی معرفی و بررسی کرد. اما می‌توان تا اندازه‌ای به برآیند چالش‌های علمی این اندیشمندان اشاره کرد. آنها با مطالعه پژوهش‌ها و تجربیات و آزمایش‌های خود، در هر انسانی وجود دارند که او را از دیگری باز می‌شناساند و همه این صفات به‌گونه‌ای که دیده می‌شوند، در مجموع، تنها ویژه یک شخص است و همسانی ندارد. در نهایت، این مجموعه است که شخصیت هر فردی را می‌سازد. طبیعی است که بدون طبقه‌بندی مشخص، نمی‌توان یکایک انسان‌ها را در تعریف معینی جای داد. از این رو، از دیرباز به این مهم و دشواری کار پی برده شده بود. به این سبب، اندیشمندان برآن بودند تا برای شناخت شخصیت انسان‌ها، به معنای ویژگی آنها، به طبقه‌بندی دست یابند که بتوان به کمک آن نوع شخصیت فردی را شناساند. چنین گویا گالیلئوس (جالیئوس) (۲۱۶ -

۱۲۹ م)، در دوران باستان به دست داده است. ما نیز رد پای آن را در پزشکی سنتی خود می‌بینیم. رازی و یبینیم، جالیئوس چهار «مزاج» گوناگون را مبنای تشخیص شخصیت انسان شناخت و آنها را در چهارچوب طبقه‌بندی چهارگانه‌ای قرار داد. این پدیده در میان ایرانیان نیز به مزاج‌های چهارگانه شناخته می‌شوند: دم (گرم و تر)، صفا (گرم خشک)، سوداوی (سرد خشک) و بلغمی (سرد تر). درخورد یادآوری است که جالیئوس اندیشمند مغزپژوه این دوران از تاریخ علوم است. اگرچه زمان درازی از پیدایش چنین طبقه‌بندی می‌گذرد، اما دیده می‌شود که هنوز هم در مواردی از آنها استفاده و نام برده می‌شود.با گسترش دانش مغزپژوهشی، آگاهی از چگونگی شکل‌گیری شخصیت نیز تحول یافت و اندیشمندان مغزپژوه ایجاد سازهای از این راز «چیستانی» را به دانش انسان افزودند. آپزنک

عاطفه تاریخی

روز که جنگ تریاک پایان یافت

مقدونی آن را باخود از یونان به ایران آورد تا در صورت بیمار شدن سربازانش به آنها بخوراند و سپس آن را در شرق افغانستان (آن زمان آریانا یعنی سرزمین آری‌ن‌ها خوانده می‌شد) کشت کرد. عرب‌ها که در گسترش آن در آسیای جنوبی سهم داشتند، آن را داروی رفع سردرد می‌پنداشتند. رازی نخستین شیمی‌دانی بود که هزار سال پیش خواص شیمیایی تریاک را شناخت و آن را افیون (شکسته شده Opium) خواند. سپس این سینا در آزمایشگاه خود در اصفهان روی این ماده تجربه فراوان کرد و به اعتیادآور بودن آن پی برد و توصیه کرد که فقط برای رفع تسکین درد، درمان اسهال و اسهال خونی و چشم درد به طور موقت و مقطوع از آن استفاده شود. احتمالاً از همین زمان این ماده تریاک Teriac (داروی مسکن) خوانده شده است. در آن زمان برای رفع تسکین درد شیره آن را به مقدار کم با عسل می‌خوردند. مصرف تریاک به میزان محدود بود زیرا خوردن زیاد آن باعث مرگ می شد. مغولها و تیموریان (تاتارها) اولین قومی بودند که از تریاک به عنوان ماده مخدر استفاده کردند. آن‌ها این ماده را به سربازان خود می‌خوراندند تا در میدان جنگ از کشتن و کشته شدن بهراسند و فرار نکنند. استفاده از تریاک به عنوان ماده مخدر از قرن شانزدهم به تدریج معمول شد. انگلیسی‌ها پس از تصرف هند دست یافتن به مزارع خشخاش این کشور به تجارت تریاک به کشورهای دیگر مخصوصاً چین دست زدند که به دو جنگ معروف به تریاک در قرن ۱۹ انجامید. احتمالاً تشویق ایرانیان به کشتین تریاک مربوط به همین دوره است. در قسرن ۲۰، علی‌رغم ممنوعیت این ماده از سوی جامعه ملل (سابق) و سازمان ملل کشت تریاک در چند نقطه از جمله افغانستان و منلت طلا‌یسی، و مصرف آن و مشتقاتش از جمله هروئین ادامه دارد.(منبع: روزنامهک)

با همسفران دنیا محمدا

نقد و نظر دفتر شعر «بهسپایه» از هرمز علی‌پور

شمردن نمرده‌ها آسان‌تر است

این دنیا دست بزنی‌صدای خفیف آدمی باید که دوست داشت‌زندگی کند باز هم، روزگاری است که‌شمردن نمرده‌ها آسان‌تر است.«هرمز مثل ازراپائوندد و هولم، دنبال شادی ناب است و لاقال غم خوبی که در هوا هست و آدم را نشسته می‌کند.

او در شعر در پی مجموعه‌ای روحی و عاطفی در لحظه‌هایی از زمان است. دنبال تصویری از این دست احساس آزادی ناگهانی است.

دنبال حس آزادی از محدودیت‌های زمان و مکان و زندگی است، یعنی احساس کمال بسی درنگیدنی است که ما در نگریرستن آثار بزرگ هنری تجربه کرده‌ایم و می‌کنیم اما می‌گوید:

«مثل او نمی‌توانم گل بکشم‌آب‌بازی را مثل او بلد نیستم/ تا که بهتر نشود مگر حال‌ما فواره‌ای در پارک، و عکس قاصدک‌هایی در پای نامه‌ها، اما همین که هوایش می‌زند به سرم، دیگر اختیار وقت به دستم نیست، چون اختیار دستم که می‌رود، از دستم و میببینم‌آیا او چقدر حرف می‌زنم در روز‌آیا او که تنها می‌توانم به عکسش نگاه کنم.» ایماژ کامل نمی‌آید، راوی نقاشی است که در پارک نشسته است، می‌خواهد او را بکشد، تصویر کند، همه را می‌کشد، به او که می‌رسد قلم‌مو در دستش می‌افتد شاید، فقط به عکسش نگاه می‌کند. مطلب تمام می‌شود برش می‌زند، فشرده و موجز می‌نویسد.

او تصویر را با حس بصری و تصویرها و توصیف‌های حسی دیگر نزدیک می‌کند. هرمز با سعی بسیار در جست‌وجوی الهام خودبه‌خود و بی‌درنگ در شعر است تا به جایی برسد که تأویل‌های گوناگون سد راه او نشود، راوی بی‌خامنان به برج‌های بلند می‌خنددد ولی به قدر یک مزار حتا زمین به نامش سند نزده‌اند.

«تو آن قدر به خاک نگاه می‌کردی و به ارتضاع برج‌ها را به مسخره گرفتی، که خیل‌ها از تو عصبانی‌اند، به قدر یک می‌گذارم و به سمت جلو حرکتش می‌دهم. آن را برمی‌دارد. عکس‌ها را درمی‌آورد و برای دیدن‌شان، آن‌ها را زیر مپهایی ترک‌خورده گوشه اتاق و در بالای سر خود نگه می‌دارد. مدتی را صرف بررسی کردن‌شان اختصاص می‌دهد. اما من هر ثانیه که می‌گذرد، بیشتر عیب و نقص‌های این چهاردیواری تنگ به چشم می‌آید. با شنیدن صدای کشیده شدن صندلی روی زمین، از افکار نه چندان مثبتم، دست می‌کشم و نگاهم را سمتش سوق می‌دهم. «نتایج خوب نیست» معلوم نیست چند تا روح با شنیدن این جمله در این اتاق کشته شده‌اند و جسم‌شان در زیر کاشی‌های کدر اتاق دفن شده‌اند. همچنان نگاهش می‌کند. بی‌آنکه پلک بزنم، نفسش را بیرون می‌دهد و دهانش را باز می‌کند تا ادامه‌ی حرف‌هایش را بزند. انگار روح و وجدان خود را با هر نفس بیرون می‌دهد تا بتواند راجع به مرگ دیگران طوری حرف بزند که انگار برایش پیشیزی ارزش ندارد و بیمارانش مانند مگس‌انی هستند که هر لحظه بین دست‌های زندگی له می‌شوند.

ادامه می‌دهد: شیمی درمانی رو هر چه زودتر شروع کنی بهتره. اگه داروهات رو مصرف کنی و مرتب شیمی‌درمانی شی ممکنه درمونات جواب بدهه.آن چنان با لحن سردی جمله آخر را گفت که حدس زدم منظورش این است که هیچ امیدی نیست، با صدایی لرزان می‌گویم: چقد وقت دارم؟ جمله‌ای کلیشه‌ای که بارها



فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

هرمز با سبایه راه می‌رود. مثل هدایت با سبایه‌اش حرف می‌زند، انگار گزارشی می‌دهد ولی در ادامه استعاره حسن‌آمیزانه «صدای عریان» را می‌آورد، بعد می‌گوید، بهار عریان نیست، کاش بتوانیم بهار را به کوه و رود و کوجه‌ها بدهیم، می‌خواهد همه‌جا را سبز باشد و در آن حال از مرگ سخن می‌گوید، گریه می‌کند، او مرگ را تا مسافتی طولانی می‌بیند، صبح می‌آید، مرگ مردی را با خود بروده است.

در صبح چراغ‌هایی روشن است که بی‌خود روشنند، صبح شده، از طبیعت چیزی کم نمی‌شود، او مرگ را نمی‌بیند، روز، شب می‌شود، اشک می‌تواند روز باشد، گل می‌تواند بشکندفد حتا اگر هزاران مرد مرده باشند، طبیعت کشش هم نمی‌گزد.

اما صدای راوی محزون است، در عزای خود شیره نمی‌خواند. مرد زوری ندارد نمی‌تواند تکسار را از زندگی‌اش برارد، دچار روزمرگی شده است:

«لباس می‌پوشی درمی‌آوری‌کتاب باز می‌کنی، می‌بندی، تلویزیون را روشن می‌کنی‌آرپیات می‌گیرد‌آیا غیظ خاموش می‌کنی‌اتا اینکه سیگار زورشت را در زیر سیگاری له می‌کنی‌انه این که خاموش، این است نهایت زور توادر روز به روز.»

اوقالت شاعر این‌گونه می‌گذرد، چیزی او را خوشحال نمی‌کند، زورش هم به هیچ کس نمی‌رسد، زورش حتا به سیگار هم نمی‌رسد، سیگار نیمه‌خاموش است. دود می‌کند، شاعر هم مثل سیگار، دود از سرش می‌رود بالا.

با این حال شاعر همین زندگی را هم دوست می‌دارد، بالاخره از مرگ بهتر است:

«ممکن است به هرچمن‌ابه هر کجای

داستان‌ک

شمارش



ریحانه رضوانی

داستان‌نویس

سی و چهار...سی و پنج...سی و شش... از سمت راست سی و ششت تا سرامیک سفید هست. از سمت چپ هم... رشته ی افکارم با صدای نازک منشی قطع می‌شود. فامیلی‌ام را صدا می‌کند و با سر ویژه بر روی «دوقلوها» از یک یا دو تخمه به محیط‌های پرورشی یکسان یا مختلف انجام شده است. تفاوت‌ها و همسانی‌هایی که در دوقلوه‌های دو و یک تخمکی دیده شده است، نشان از آن داشته است که تأثیر پذیری «ژنتیک» آنها بسیار آشکار است. این پژوهش‌ها به زمینه‌ی بسیار مهم دیگری نیز پرداخته‌اند و آن پی‌بردن به میزان تأثیرپذیری استعداد انسان از داده‌های «ژنتیک» است. در این زمینه نیز، تقریباً، یک‌زبانی وجود دارد که استعداها نیز در بیشترین اندازه‌ی خود وابستگی انکارناپذیر «ژنتیکی» دارند.

سی و چهار...سی و پنج...سی و شش... از سمت راست سی و ششت تا سرامیک سفید هست. از سمت چپ هم... رشته ی افکارم با صدای نازک منشی قطع می‌شود. فامیلی‌ام را صدا می‌کند و با سر ویژه بر روی «دوقلوها» از یک یا دو تخمه به محیط‌های پرورشی یکسان یا مختلف انجام شده است. تفاوت‌ها و همسانی‌هایی که در دوقلوه‌های دو و یک تخمکی دیده شده است، نشان از آن داشته است که تأثیر پذیری «ژنتیک» آنها بسیار آشکار است. این پژوهش‌ها به زمینه‌ی بسیار مهم دیگری نیز پرداخته‌اند و آن پی‌بردن به میزان تأثیرپذیری استعداد انسان از داده‌های «ژنتیک» است. در این زمینه نیز، تقریباً، یک‌زبانی وجود دارد که استعداها نیز در بیشترین اندازه‌ی خود وابستگی انکارناپذیر «ژنتیکی» دارند.

سی و چهار...سی و پنج...سی و شش... از سمت راست سی و ششت تا سرامیک سفید هست. از سمت چپ هم... رشته ی افکارم با صدای نازک منشی قطع می‌شود. فامیلی‌ام را صدا می‌کند و با سر ویژه بر روی «دوقلوها» از یک یا دو تخمه به محیط‌های پرورشی یکسان یا مختلف انجام شده است. تفاوت‌ها و همسانی‌هایی که در دوقلوه‌های دو و یک تخمکی دیده شده است، نشان از آن داشته است که تأثیر پذیری «ژنتیک» آنها بسیار آشکار است. این پژوهش‌ها به زمینه‌ی بسیار مهم دیگری نیز پرداخته‌اند و آن پی‌بردن به میزان تأثیرپذیری استعداد انسان از داده‌های «ژنتیک» است. در این زمینه نیز، تقریباً، یک‌زبانی وجود دارد که استعداها نیز در بیشترین اندازه‌ی خود وابستگی انکارناپذیر «ژنتیکی» دارند.

دریچه



Andrey Klimov-Russia

زندگی‌نامه

این ریش تو سخت زود برمی‌آید گرچه نه مراد بود برمی‌آید بر آتش رخسار تو دل‌های کباب از بس که بسوخت دود برمی‌آید

منتقدان کتاب

بتن البافی:

مخلوط بتن معمولی به اضافه الیاف فولادی که به طور یکنواخت در بتن بخش و باعث افزایش مقاومت فشاری بتن در نوع خود شده و در جاده‌سازی و محوطه سازی استفاده می‌شود.

مجازستان

■ به ساعت خوابیدم، بیدار شدم فهمیدم داداشم با قندون رفته زنگ واحد بالابیمونو زده گفته: خدمت شما! یارو ازش پرسیده: ممنون ولی این برای چی؟ داداشم جواب داده: برای پسر‌تونه، آخه اسپا قند خیلی دوست دارن.

(کله واقعی)

■ یکی می‌گفت افغان‌ها به همراه مریض میگن نگران خیلی قشنگه، مثلا از مریض پرسن کسی نگران هست؟ نگران کجاست؟ یا بهش بگی من نگرانت میشم خیالت راحت من نگرانتم!))

■ اینم باید یاد بگیرید که سر کار یا هر‌جای دیگه وقتی با یکی کار دارین، برید پیشش. صداش نکنید که اون بیاد پیشتون.

(کارتمن)

فکار

تصویر جیمز وب از حلقه اینشتین

تصویری از حلقه اینشتین که گفته می‌شود توسط تلسکوپ فضایی جیمز وب ثبت شده توسط یک دانشجوی فارغ‌التحصیل رشته نجوم منتشر شده است. از زمانی که اولین تصاویر تلسکوپ فضایی جیمز وب در ماه ژوئیه منتشر شدند، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مملو از تصاویر شگفت‌انگیز مسجورکننده‌ای از سیاره مشتری گرفته تا دورترین ستاره‌های شناخته شده جهان شدند.

آنکون، وب بار دیگر تصویریری کهنه ثبت کرده است. این تلسکوپ فضایی این بار حلقه تقریباً کامل اینشتین را که در فاصله تقریبی ۱۲میلیارد سال نوری از ما قرار دارد، ثبت کرده است. می‌توانید این تصویر رنگی را که توسط دانشجوی فارغ‌التحصیل رشته نجوم با نام کاربری اسپیس‌گای در ردیت به اشتراک گذاشته رصدی، حلقه اینشتین زمانی رخ می‌دهد که نور یک کهکشان از ستاره در مسیر رسیدن به زمین از کنار یک جرم بزرگ کیهانی عبور می‌کند.

به دلیل همگرایی گرانشی نور منحرف می‌شود و طوری به نظر می‌رسد که نور از نواحی مختلفی آمده است. اگر منبع نور، عدسی و ناظر همه یک راستا باشند، نور به صورت یک حلقه ظاهر می‌شود. کهکشان مورد بحث ما SPT-S J۰۴۱۸۳۹-۰۰۴۷۵۱۸ نام دارد و ۱۲میلیارد سال نوری از ما فاصله دارد. اسپیس‌گای یک نمای دورتر از آن را نیز پردازش کرده است، طبق گفته او، اگر به خاطر حلقه اینشتین نبود، ما اصلا نمی‌توانستیم این کهکشان را ببینیم. وجود حلقه‌های اینشتین، علاوه بر زیبایی، به ما این امکان را می‌دهد که کهکشان‌هایی را که مشاهده آنها در غیر این صورت تقریباً غیرممکن است، مطالعه کنیم. اینشتین این فرآیند را پیش‌بینی کرده بود و از این رو نام او را به آن اختصاص داده‌اند.اگرچه رصد حلقه‌های اینشتین اتفاقی نادر است، اما بی سابقه نیست. هابل پیش از این تصاویری از حلقه‌های دیدنی اینشتین گرفته بود.

این اولین باری نیست که وب تصویری از حلقه اینشتین SPT-S J۰۴۱۸۳۹-۰۰۴۷۵۱۸ ثبت می‌کند. دوربین مادون قرمز نزدیک این تلسکوپ فضایی(NIRCam) از همان منطقه در ماه اوت تصویربرداری کرد و اسپیس‌گای آن را رنگی و منتشر کرد. اما این تصویر آنقدر واضح نبود، در آخرین تصویر، داده‌ها توسط دوربین ابزار مادون قرمز میانی(MIRI) گرفته شده و از پورتال مست(MAST) این تلسکوپ دانلود شده‌اند. در این تصاویر از سه فیلتر مختلف استفاده شده است. فیلتر قرمز که نور را در طول موج‌های ۰۱میکرومتر جذب می‌کند. سبزر برای طول موج‌های ۰۷میکرومتر و آبی برای طول موج‌های ۰۶میکرومتر است. در نهایت این تصاویر توسط اسپیس‌گای رنگ آمیزی و پردازش شدند.

تأثیر و آثار

زاکربوگ از شهادت در دادگاه خلاص شد
قرار بود مارک زاکربوگ و شرریل سندبرگ (مدیران ارشد متا) در دادگاهی مربوط به شکایتی درباره افشای اطلاعات در رسوایی کمبریج آنالیتیک شهادت دهند اما اکنون فیسبوک به تسویه ای خارج دادگاه با شاکیان دست یافته است.طبق اسناد دادگاه، طرفین دعوی قضایی به توافق اولیه دست یافته اند و خواستار ۶۰گروز مهلت از دادگاه شده‌اند تا متن نوشتاری توافقنامه را تنظیم و ارائه کنند. البته جزئیاتی درباره شرایط این تسویه فاش نشده است. متا (شرکت مادر فیس بوک) از اظهارنظر دراین باره خودداری کرده و از سوی دیگر شاکیان نیز نسبت به درخواست اظهارنظر هیچ پاسخی نداده این‌بار شکایت، فیس بوک را منتهم می‌کرد به طور غیرقانونی داده‌های کاربران را با طرف‌های ثالث به اشتراک گذاشته و اقدامات کافی برای محافظت از داده‌ها در مقابل سواستفاده هکرها و کاربران خطرناک انجام نداده است.